

نوع‌شناسی مصرف‌کنندگان پوشاک برند بر اساس سبک تصمیم‌گیری خرید

لیلی طبایحیان^۱، علیرضا حدادیان^۲، علیرضا پویا^۳

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بخش‌بندی مصرف‌کنندگان فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک، بر اساس سبک تصمیم‌گیری خرید آنها و تعیین تفاوت بخش‌ها در نگرش نسبت به آمیخته بازاریابی آنها انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، مشتریان فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک در شهر مشهد هستند که پس از توزیع پرسشنامه، ۲۷۰ پرسشنامه قابل استفاده از اعضای نمونه برگشت داده شد. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از تحلیل خوشه‌ای چندمیانگینی و آنالیز واریانس یک‌طرفه در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. پس از بررسی‌های انجام‌شده، مصرف‌کنندگان در چهار خوشه با عنوان کیفیت‌گرا و بی‌برنامه، مدگرا و قیمت‌محور، کمال‌طلب و کیفیت‌گرا و سردرگم طبقه‌بندی شدند. در بخش دوم تجزیه و تحلیل‌ها مشخص شد که از لحاظ نگرش نسبت به محصول، گروه ۳ و ۴ و از لحاظ نگرش نسبت به قیمت گروه ۳ با سایر گروه‌ها متفاوت است. به لحاظ نگرش نسبت به ترویج محصولات، گروه‌های ۲ و ۴ با هم تفاوتی ندارند، گروه ۱ و ۳ نیز با یکدیگر تفاوت نداشته و از نظر نگرش نیز نسبت به توزیع، گروه ۳ از سایر گروه‌ها متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: بخش‌بندی بازار، سبک تصمیم‌گیری خرید، نگرش نسبت به ترویج، نگرش نسبت به توزیع، نگرش نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی، نگرش نسبت به قیمت، نگرش نسبت به محصول.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. دانشیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰

نویسنده مسئول مقاله: علیرضا حدادیان

E-mail: hadadian@um.ac.ir

مقدمه^۱

با نگاهی گذرا به فعالیت سازمان‌ها به‌خوبی می‌توان دریافت که هیچ سازمانی به‌دلیل زیاد بودن تعداد خریداران در بازارهای مختلف، تنوع زیاد در نوع نیازها و خواسته‌های خریداران، پراکندگی بیش از حد خریداران در مناطق جغرافیایی مختلف، تنوع زیاد در نوع روش‌های خرید مصرف‌کنندگان، توانایی‌ها و قابلیت‌های متفاوت مؤسسات از نظر خدمت به بخش‌های مختلف بازار و وجود رقبا می‌توانند در اغلب بازارها، نمی‌تواند تمام نیازها و خواسته‌های کلیه خریداران را ارضا کند (بابایی، ۱۳۹۰: ۶۵). از این رو در اقتصاد رقابتی و پویای امروز، بازاریابی انبوه، دیگر انتخابی کارا و اثربخش از نظر هزینه برای دستیابی به هدف نیست (ملاحسینی و علی‌میرزایی، ۱۳۸۹). همچنین، با توجه به اینکه اغلب مشتریان از یک گروه خاص نیستند و عقاید و انگیزه‌های آنها در ارزش‌ها، نیازها، خواسته‌ها و محدودیت‌ها، متفاوت است، به آنچه ارائه می‌شود واکنش‌های مختلف نشان می‌دهند. فرایند بخش‌بندی که در آن مشتریان در خوشه‌هایی با نیازهای مشابه گروه‌بندی می‌شوند، می‌تواند برای شناخت رفتار آنها در راستای غلبه بر مسائل گفته‌شده، مفید باشد.

به‌طور کلی رفتار مصرف‌کنندگان متأثر از عوامل متعددی است، بنابراین به‌منظور بررسی دقیق‌تر این رفتار، عوامل تأثیرگذار بر این رفتارها، یکی از موضوع‌هایی است که باید مطالعه و بررسی شود. یکی از این عوامل شیوه تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان است که برای فعالیت‌های بازاریابی حائز اهمیت است؛ زیرا سبک تصمیم‌گیری از جمله ویژگی‌های روان‌شناختی کمابیش پایدار، در طول زندگی فرد است (رضایی، ۲۰۱۵).

به‌علاوه تغییرهای سیاسی در حال وقوع در حوزه روابط بین‌الملل و بازر شدن مرزهای کشور پس از کاهش تحریم‌های خارجی که موجب سهولت و افزایش بازرگانی خارجی و واردات کالاهای مصرفی از جمله پوشاک می‌شود، از جمله مسائلی است که به مطالعه رفتار مصرف‌کنندگان این صنعت و ارائه شمایی شفاف‌تر از الگوها و اولویت‌های ذهنی مصرف‌کنندگان این بخش نیاز دارد. همچنین تجربه فعالیت در حوزه برند خارجی پوشاک و تولیدکنندگی پوشاک داخلی نشان داده است که مشتریان این فروشگاه‌ها از طبقه‌های مختلف جامعه بوده و با توجه به فرهنگ جامعه ایرانی، شخصیت، تجربه و بسیاری موارد دیگر، اولویت‌ها و معیارهای مختلفی در تصمیم‌گیری دارند که متأسفانه در تولید پوشاک به این امر توجه چندانی نشده است. به‌علاوه برای این صنعت شناسایی سبک‌های تصمیم‌گیری - که برخلاف برخی از متغیرهای تأثیرگذار بر

۱. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده است.

تصمیم خرید مثل سن، نامشهود و ناملموس هستند - به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای تأثیرگذار بر انتخاب های افراد به منظور ارائه آمیخته بازاریابی متناسب با محصولاتی که با شرایط جدید به بازار ارائه شده اند، برای جلب رضایت مشتریان موجود و جذب مشتریان جدید اولویت و ضرورت محسوب می شود. از این رو به دلیل تنوع زیاد مصرف کنندگان، نیازها، علاقه ها و سلیقه های متفاوت افراد در نوع پوشش، پراکندگی بیش از حد خریداران در مناطق جغرافیایی مختلف، تنوع زیاد در نوع روش های خرید مصرف کنندگان و تأثیر بالای عوامل آمیخته بازاریابی بر انتخاب مصرف کنندگان صنعت پوشاک و سیاست گذاری در این قلمرو، پژوهش حاضر در راستای کمک به برنامه ریزان و سیاست گذاران حوزه پوشاک به بخش بندی مصرف کنندگان پوشاک در سطح شهر مشهد بر اساس سبک تصمیم گیری پرداخته و سپس تفاوت بخش ها را از نظر نگرش نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی بررسی می کند تا پس از مرور مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی، به این سؤالات، به عنوان محور تحقیق پیش رو پاسخ دهد که مصرف کنندگان پوشاک خارجی در چه بخش هایی قرار می گیرند و چه تفات هایی از لحاظ نگرش به عوامل آمیخته بازاریابی (4P) دارند.

پیشینه نظری پژوهش

پیشینه مربوط به محیط خرده فروشی، بر انتخاب در هنگام خرید، فرایند تصمیم گیری یا ترجیحات خرده فروشی در فروشگاه متمرکز است. جهت گیری ذهنی مصرف کننده که نشان دهنده رویکرد وی هنگام انتخاب است، سبک تصمیم گیری نامیده می شود (سولکا، جکسون و لی ۲۰۱۱). در حالی که شناخت نیاز، جست و جوی اطلاعات، ارزیابی گزینه ها، خرید و رفتار پس از خرید، فرایند تصمیم گیری شناخته می شود (روزمند و همکاران، ۲۰۱۱). بر مبنای رویکرد ویژگی های مصرف کننده، اسپرولز و کندال (۱۹۸۶) هشت سبک تصمیم گیری را برای مصرف کنندگان فهرست کردند که عبارت اند از: مصرف کنندگان کمال گرا و حساس به کیفیت، حساس به برند، حساس به قیمت، حساس به مد، لذت گرا و در جست و جوی سرگرمی، آنی و بی برنامه، مصرف کنندگان گیج شده به علت گزینه های زیاد و سبک وفادار به برند و عادت گرایی. این هشت سبک ویژگی های ذهنی تصمیم گیری مصرف کنندگان را شرح داده و به طور مستقیم به رفتار انتخاب در مصرف کننده مربوط است (ونگ، سیو و هوی، ۲۰۰۴).

اگرچه تعمیم ناپذیری و تضاد موجود در پیشینه پژوهش، به تفاوت هایی در درک سبک های تصمیم گیری اشاره دارد و ادبیات مربوطه چند تکه و متراکم است (رضایی، ۲۰۱۵)، برخی مطالعات این سبک ها را در محصولات مرتبط با غذا (آنیک، پری راج و راج، ۲۰۱۴)، بین

مصرف‌کنندگان کالا (ژو، آرنولد، پریان و لو ۲۰۱۰) و در خرده‌فروشی به‌طور عام (لیسونسکی و دورواسولا، ۲۰۱۳) بررسی کرده‌اند. ژانگ و کیم (۲۰۱۳) نگرش مصرف‌کنندگان نسبت به خرید کالاهای مد و لوکس و قصد خرید آنها را از طریق اتخاذ سبک حساس به برند از فهرست سبک‌های تصمیم‌گیری بررسی کردند. جنسن و گرانت (۲۰۱۴) ویژگی‌های مصرف‌کنندگان را به‌عنوان حساس به قیمت، حساس به ارزش، وفادار به برند و وفادار به فروشگاه دسته‌بندی کردند. به‌علاوه آنیک و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که مصرف‌کنندگان جوان با توجه به سبک تصمیم‌گیری خود به پنج دسته تقسیم می‌شوند. هنزائی و آغاسی بیگ (۲۰۰۸) با ارائه مدلی یازده عاملی سبک تصمیم‌گیری زنان را شناسایی کردند. سولکا و همکاران (۲۰۱۱) طی تحقیقات خود پنج سبک تصمیم‌گیری لذت‌گرایی، نفرت از خرید، حساس به قیمت، حساس به کیفیت و حساس به برند را شناسایی کردند. موسوی، سیدجوادین و صادق وزیری (۲۰۱۱) بین مصرف‌کنندگان ایرانی به هفت سبک تصمیم‌گیری رسیدند و آکتوران، تزکان و ویگنولز (۲۰۱۱) نیز در یک مطالعه میان فرهنگی، چهار دسته از مصرف‌کنندگان را شامل مصرف‌کنندگان حساس به مد و برند، مصرف‌کنندگان بی‌تفاوت، مصرف‌کنندگان در جست‌وجوی تفریح و مصرف‌کنندگان در جست‌وجوی کیفیت شناسایی کردند. کیوان، ینگ و آئو (۲۰۰۸) نیز هفت سبک تصمیم‌گیری را بین مصرف‌کنندگان جوان چینی شناسایی کرد. ژانگ و کیم (۲۰۱۰) نیز تأثیر سبک تصمیم‌گیری، نوآوری و مقایسه اجتماعی را بر قصد خرید محصولات لوکس در چین سنجیده و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که حساسیت به برند، نوآوری و مقایسه اجتماعی بر نگرش به محصولات لوکس تأثیر معناداری گذاشته و این نگرش می‌تواند بر قصد خرید این محصولات اثرگذار باشد.

در سال ۱۹۹۰ اسپرولز و اسپرولز بین سبک‌های تصمیم‌گیری و برخی عوامل از جمله سبک یادگیری، رابطه‌ای علی پیشنهاد کردند. اما بر اساس این مطالعه استدلال می‌شود که مصرف‌کنندگانی با سبک‌های تصمیم‌گیری مختلف، بخش‌های مختلف بازار را شکل می‌دهند و هر بخش می‌تواند ادراک متفاوتی نسبت به اقدامات و آمیخته بازاریابی داشته باشد، که در این رابطه نزدیک‌ترین مطالعه‌ای که یافت شد، مطالعه رضایی (۲۰۱۵) است که به بررسی تأثیر هر یک از این سبک‌ها بر نگرش نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی پرداخت و هشت سبک بررسی شده در تحقیق حاضر را بین ۳۱۵ نفر از مشتریان خرده‌فروشی بررسی کرد و تأثیر هر یک از این سبک‌ها را بر نگرش و گرایش به عوامل آمیخته بازاریابی یا همان 4P سنجید. نتایج حاکی از آن بود که مصرف‌کنندگان کیفیت‌گرا، حساس به مد و حساس به برند، تبلیغات‌محورند، مصرف‌کنندگان حساس به قیمت و خریدارانی با سبک آنی و بی‌برنامه، قیمت‌محور هستند،

مصرف‌کنندگان کیفیت‌گرا، حساس به قیمت و خریداران در جست‌وجوی سرگرمی و بی‌برنامه و آنی، محصول محور بوده و مصرف‌کنندگان کیفیت‌گرا، حساس به قیمت و بی‌برنامه نیز نسبت به خرده‌فروشی‌ها گرایش دارند. در جدول ۱ به تعریف هر یک از متغیرها و جمع‌بندی پیشینه مطالعاتی پرداخته شده است.

جدول ۱. تعریف متغیرها

تعریف	سبک تصمیم‌گیری
مصرف‌کنندگانی با سبک تصمیم‌گیری خرید حساس به کیفیت یا کمال‌گرا به دنبال بالاترین یا بهترین کیفیت در محصولات هستند (باتز، ۱۹۹۸).	سبک حساس به کیفیت
مصرف‌کنندگانی با سبک تصمیم‌گیری خرید حساس به برند به دنبال شناخته‌شده‌ترین و گران‌قیمت‌ترین برندها هستند (وسلی، لهو و وودساید، ۲۰۰۶).	سبک حساس به برند
مصرف‌کنندگانی با سبک تصمیم‌گیری خرید حساس به مد، محصولات جدید و نوآورانه را دوست داشته و چیزهای جدید برای آنها هیجان‌انگیز است (وسلی و همکاران، ۲۰۰۶).	سبک حساس به مد
مصرف‌کنندگانی با سبک تصمیم‌گیری خرید لذت‌گرایی، خرید را به‌عنوان فرایندی خوشایند در نظر می‌گیرند و به‌طور معمول فقط برای لذت خرید می‌کنند (کامارودین و مخلص، ۲۰۰۳).	سبک لذت‌گرایی
مصرف‌کنندگانی با سبک تصمیم‌گیری خرید حساس به قیمت، تمایلی بر پرداخت پول بیشتر برای ابعاد متمایز محصول ندارند (لیسونسکی و دورواسولا، ۲۰۱۳).	سبک حساس به قیمت
مصرف‌کنندگانی با سبک تصمیم‌گیری خرید آنی و بی‌برنامه، بی‌اختیار تمایل به خرید پیدا کرده و در مورد میزان پولی که می‌پردازند نگران نیستند (وسلی و همکاران، ۲۰۰۶).	سبک آنی و بی‌برنامه
سبک تصمیم‌گیری خرید سردرگم در انتخاب شرایطی است که مصرف‌کنندگان در دریایی از اطلاعات درباره محصولات غرق شده یا میان گزینه‌های متعدد برای خرید سردرگم می‌مانند (اسپرولز و کندال، ۱۹۸۶).	سبک سردرگم در انتخاب
سبک تصمیم‌گیری خرید عادت‌گرایی به معنای خرید در فروشگاه‌های مشابه و تمایل به خرید نام‌های تجاری مشابه در هر بار خرید است (لئو، بنت و هارتل، ۲۰۰۵).	سبک عادت‌گرایی
بازتابی است از اینکه افراد چگونه کسب‌وکار را براساس محصولات، قیمت، ترویج و توزیع ادراک می‌کنند (کراستینگر، نایت و کیم، ۲۰۱۰). بر اساس تعریف‌ها، محصول چیزی است که می‌تواند برای ارضای نیاز یا خواسته‌ای به بازار عرضه شود. قیمت، مقدار پولی است که برای محصول پرداخت می‌شود. ترویج، ابزارهایی برای برقراری ارتباط با مشتریان فراهم می‌کند و توزیع، مجموعه‌ای از اقداماتی است که محصول تولیدی شرکت را به دست مصرف‌کننده می‌رساند (کاتلر و آرمسترانگ، ۱۳۸۶).	نگرش نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی

پیشینه تجربی پژوهش

با بررسی پیشینه مطالعاتی مشخص شد که در ظاهر تنها مطالعه‌ای که مصرف‌کنندگان را بخش‌بندی کرده، مطالعه طباطبایی‌نسب و ارجمند (۱۳۹۳) است که در آن، تأثیر هر یک از بخش‌ها بر ابعاد نوجویی ذاتی و ابعاد شخصیتی نئو سنجیده شده است. در واقع، سایر مطالعه‌ها در پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با موضوع، مبتنی بر تحقیقات اکتشافی در رابطه با وجود یا عدم وجود هر یک از این سبک‌ها در میان اعضای جامعه صورت گرفته و تأثیر هر یک از این سبک‌ها را به صورت جداگانه بر عواملی مثل خرید برندهای خصوصی سنجیده‌اند (تاناسوتا، ۲۰۱۵)، یا تأثیر برخی عوامل از جمله عوامل جمعیت‌شناختی را بر این سبک‌ها بررسی کرده‌اند. در برخی از این مطالعه‌ها، چند سبک دیگر مثل نفرت از خرید و برنامه زمانی (حاجی کریمی و شهابی، ۱۳۹۰) مطالعه شده یا در برخی مطالعات داخلی بر اساس سایر متغیرها بخش‌بندی انجام شده است. از جمله سبک تغذیه (حسین‌زاده، کرمی و مهربانی، ۱۳۹۴) که به شناسایی سه بخش از مشتریان و نیز سبک زندگی مرتبط با تغذیه (طباطبایی‌نسب و پزشکی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵) که به شناخت سه گروه از مشتریان بازار مواد غذایی منجر شد. از طرفی بخشی‌زاده، خلیلی رودی و رضاییان اکبرزاده (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر سبک آنی و بی‌برنامه به قصد خرید پرداخته‌اند و همچنین محسنین، اسفیدانی، کرمی و خواجه دهقانی (۱۳۹۲) روش اکتشافی وجود یا عدم وجود سبک‌های تصمیم‌گیری بین مشتریان لوازم خانگی را بررسی کرده‌اند. ضمن اینکه می‌توان گفت در ظاهر، مطالعاتی در زمینه سبک تصمیم‌گیری خرید در شهر مشهد و به‌خصوص در حوزه پوشاک برند خارجی انجام نشده یا در صورت وجود، در دسترس نیست.

از این رو تحقیق حاضر برای پرکردن خلأهایی که در مطالعه‌های نام‌برده وجود دارد با استفاده از پرسشنامه‌ای برگرفته از ژانگ و کیم (۲۰۱۰) برای سنجش سبک‌های هشت‌گانه برگرفته از اسپرولز و کندال (۱۹۸۶) که یکی از جامع‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در این حوزه بوده و در اکثر کشورها پذیرش و تأیید شده است و گاسکی و اتزل (۱۹۸۶) برای سنجش نگرش نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی به بخش‌بندی مصرف‌کنندگان برند خارجی پوشاک ساکن مشهد بر اساس سبک‌های هشت‌گانه تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان، دست زده است.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه پیش رو به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش، پیمایشی - تحلیلی است که در آن به منظور خوشه‌بندی مشتریان پوشاک برند خارجی از روش کای میانگین و برای اطمینان از صحت انجام خوشه‌بندی از تحلیل واریانس استفاده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر مشتریان

فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک در شهر مشهد بوده و به این منظور با استفاده از فرمول کوکران برای حجم جامعه نامعلوم در ضریب خطای ۰/۰۶، تعداد ۲۶۷ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شدند.

برای سنجش متغیرها از سنج‌های مطالعه‌های پیشین استفاده شد. سنج‌ها به منظور استفاده در زمینه جامعه مورد مطالعه با استفاده از شیوه ترجمه - بازگشت - ترجمه بومی‌سازی شده است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه نهایی از طریق بررسی نظرهای صاحب‌نظران مدیریت در دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، تأیید شد. پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال است که در آن تمام سنج‌ها با استفاده از مقیاس لیکرت پنج‌تایی و در محدوده‌ای از «۱= کاملاً مخالف» تا «۵= کاملاً موافق» سنجیده شد. همچنین روایی سازه پرسشنامه نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار اسپاس‌اس ارزیابی شد و معناداری گویه‌های مربوط به سازه‌های مورد نظر، تأیید شد. انسجام درونی ابزارهای مورد استفاده نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شد که در جدول ۲ گزارش شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمام مقادیر بالای ۰/۷ است که می‌توان نتیجه گرفت ابزار از پایایی لازم برخوردار است.

یافته‌های تحقیق

در قسمت مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی ویژگی‌های گروه مخاطبان از جمله جنسیت، سن، سطح سواد و وضعیت اشتغال بررسی شد. به لحاظ جنسیت ۶۰/۳۷ درصد زن و ۳۹/۶۳ درصد مرد هستند و به لحاظ سنی ۱/۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان کمتر از ۲۰ سال، ۷۷/۴۱ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۳/۳۳ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۵/۹۳ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲/۲۲ درصد بیش از ۵۰ سال دارند. به لحاظ سطح سواد بیشتر پاسخ‌دهندگان معادل با ۵۸/۱۵ درصد دارای مدرک فوق لیسانس هستند و ۲۹/۶۳ درصد دارای شغل آزاد، ۲۷/۴۱ درصد کارمند و ۴۲/۹۶ درصد بیکار هستند.

روایی سازه برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهایی انتخاب شده که نشان می‌دهد آیا نشانگرها، ساختارهای عاملی مناسبی را برای اندازه‌گیری سازه‌های مورد مطالعه در مدل تحقیق فراهم می‌آورند یا خیر. چنانچه مقدار بار عاملی بیشتر از ۰/۴ و مقدار قدر مطلق آماره T بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که نشانگرها ساختار عاملی مناسبی را برای اندازه‌گیری سازه‌های مورد مطالعه در مدل تحقیق فراهم می‌کنند (چین،

مارکولین و نستد، ۲۰۰۳)، که با توجه به اطلاعات جدول ۲، ساختار مطالعه حاضر در وضعیت مناسبی قرار داشته و آلفای کرونباخ در کلیه موارد بالاتر از ۰/۰۷ است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرها

متغیرها	سؤالات	بار عاملی	آماره T	خطای استاندارد (SE)	آلفای کرونباخ
حساس به کیفیت	QC1	۰/۵۲	۶/۶۴	۰/۰۷۸	۰/۸۵۷
	QC2	۰/۵۴	۸/۵۵	۰/۰۶۳	
	QC3	۰/۵	۱۱/۵۳	۰/۰۴۳	
	QC4	۰/۵۶	۱۰/۷۱	۰/۰۵۲	
حساس به برند	BC1	۰/۵۲	۲/۵	۰/۲۰۸	۰/۸۷۸
	BC2	۰/۶۴	۱۲/۵۶	۰/۰۵۱	
	BC3	۰/۵۷	۶/۷۴	۰/۰۸۵	
حساس به قیمت	PC1	۰/۵۳	۲/۷	۰/۱۹۶	۰/۷۸۴
	PC2	۰/۵۱	۲/۵۱	۰/۲۰۳	
	PC3	۰/۸۵	۵/۴۴	۰/۱۵۶	
حساس به مد	FC1	۰/۹۱	۱۸/۱۲	۰/۰۵۰	۰/۸۷۶
	FC2	۰/۸۳	۱۴/۳۵	۰/۰۵۸	
	FC3	۰/۷۲	۱۳/۲۷	۰/۰۵۴	
	FC4	۰/۵۳	۱۰/۶۲	۰/۰۵۰	
لذت‌گرایی	RC1	۰/۷۵	۱۵/۰۹	۰/۰۵۰	۰/۷۸۷
	RC2	۰/۹۳	۱۹/۷۴	۰/۰۴۷	
	RC3	۰/۷۵	۱۰/۴	۰/۰۷۳	
	RC4	۰/۵۲	۵/۰۸	۰/۱۰۲	
بی‌برنامه و آنی	I1	۰/۵۴	۵/۷۶	۰/۰۹۴	۰/۷۹۶
	I2	۰/۶۴	۹/۴	۰/۰۶۸	
	I3	۰/۶۹	۱۲/۰۲	۰/۰۵۷	
سردرگم در انتخاب	CC1	۰/۵۵	۸/۵۸	۰/۰۶۴	۰/۷۸۴
	CC2	۰/۴۱	۶/۸۹	۰/۰۶۰	
	CC3	۰/۵۴	۷/۶۳	۰/۰۷۱	
	CC4	۰/۷۸	۱۱/۷۵	۰/۰۶۶	

ادامه جدول ۲

متغیرها	سوالات	بار عاملی	آماره T	خطای استاندارد (SE)	آلفای کرونباخ
عادت‌گرایی	H1	۰/۶۶	۹/۷۶	۰/۰۶۸	۰/۸۲۱
	H2	۰/۶۹	۱۰/۹۳	۰/۰۶۳	
	H3	۰/۶	۹/۶	۰/۰۶۳	
	H4	۰/۵۸	۴/۷۳	۰/۱۲۳	
نگرش نسبت به محصول	A1P1	۰/۶	۱۱/۰۷	۰/۰۵۴	۰/۸۰۵
	A1P2	۰/۴۳	۷/۲۵	۰/۰۵۹	
	A1P3	۰/۴۶	۵/۹۲	۰/۰۷۸	
	A1P4	۰/۵۷	۱۰/۱۵	۰/۰۵۶	
	A1P5	۰/۵	۸/۴	۰/۰۶۰	
نگرش نسبت به قیمت	A2P1	۰/۷۳	۱۳/۱۲	۰/۰۵۶	۰/۷۷۳
	A2P2	۰/۴۶	۷/۱۸	۰/۰۶۴	
	A2P3	۰/۵۱	۷/۵۲	۰/۰۶۸	
	A2P4	۰/۶۴	۱۲/۸۴	۰/۰۵۰	
	A2P5	۰/۵۷	۱۰/۶۴	۰/۰۵۴	
نگرش نسبت به ترویج	A3P1	۰/۶۳	۱۰/۸۳	۰/۰۵۸	۰/۸۰۲
	A3P2	۰/۴۴	۳/۶۶	۰/۱۲۰	
	A3P3	۰/۶۱	۱۰/۱۸	۰/۰۶۰	
	A3P4	۰/۴	۷/۱۷	۰/۰۵۶	
	A3P5	۰/۷۶	۱۰/۳۳	۰/۰۷۴	
نگرش نسبت به توزیع	A4P1	۰/۴۱	۲/۰۹	۰/۱۹۶	۰/۷۲۶
	A4P2	۰/۵۱	۵/۰۹	۰/۱۰۰	
	A4P3	۰/۷۵	۱۲/۹۹	۰/۰۵۸	
	A4P4	۰/۵۲	۹/۷۵	۰/۰۵۳	

در جدول ۳ شاخص‌های برازش بررسی شده که نشان می‌دهد مقدار RMSEA کمتر از ۰/۱ است، به این معنا که میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب بوده و مدل قابل قبول است. همچنین مقدار کای ۲ به درجه آزادی بین ۱ و ۳ است و میزان شاخص GFI، CFI و AGFI نیز از ۰/۹ بیشتر است که نشان می‌دهد مدل اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، مدل مناسبی است.

جدول ۳. آماره‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی

AGFI	RMSEA	CFI	GFI	χ^2/df
۰/۹۱	۰/۰۶۳	۰/۹۱	۰/۹۲	۱/۹۶

پاسخ به سؤال نخست تحقیق

مصرف‌کنندگان فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک بر اساس سبک تصمیم‌گیری خرید در چه بخش‌هایی قرار می‌گیرند؟

به‌منظور دسته‌بندی مصرف‌کنندگان فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک بر اساس سبک تصمیم‌گیری خرید از تحلیل خوشه‌ای چندمیانگینی استفاده شده است. در این روش تعداد گروه‌ها و دسته‌هایی که مصرف‌کنندگان در آنها گروه‌بندی شده‌اند، یکی از ورودی‌ها در نظر گرفته می‌شود. بر این مبنا بر اساس قاعدهٔ لمان برای گروه‌بندی مصرف‌کنندگان تمام فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک، چهار گروه انتخاب شد. بر اساس این قاعده، تعداد خوشه‌ها باید بین $\frac{n}{3}$ تا $\frac{n}{6}$ باشد که در آن n تعداد حجم نمونهٔ تحقیق است. در این مطالعه با توجه به حجم نمونهٔ ۲۷۰ تایی، تعداد خوشه‌ها می‌تواند بین ۴ تا ۹ باشد که در نهایت بر اساس محاسبه‌های انجام‌شده، مشخص شد چهار خوشه مناسب است.

جدول ۴. گروه‌بندی نهایی مصرف‌کنندگان فروشگاه‌های برند خارجی پوشاک و مرکز هر یک از گروه‌ها

گروه‌های شناسایی‌شده در تحلیل خوشه‌ای				سبک‌های تصمیم‌گیری
گروه ۴	گروه ۳	گروه ۲	گروه ۱	
۴/۲۴	۴/۴۸	۴/۳۱	۴/۳۱	حساس به کیفیت
۲/۵۷	۳/۳۱	۳/۱۹	۲/۹۸	حساس به برند
۳/۲۲	۳/۵۳	۳/۶۶	۲/۳۸	حساس به قیمت
۲/۵۰	۳/۷۰	۳/۸۸	۲/۹۰	حساس به مد
۲/۵۳	۴/۱۲	۳/۸۳	۳/۶۱	لذت‌گرایی
۱/۹۴	۳/۲۷	۱/۹۵	۲/۳۸	بی‌برنامه و آنی
۲/۷۵	۳/۵۱	۲/۲۶	۲/۶۷	سردرگم در انتخاب
۳/۰۶	۳/۴۹	۳/۲۹	۳/۱۵	عادت‌گرایی

برای مقایسهٔ میانگین خوشه‌ها و بررسی این موضوع که آیا خوشه‌بندی به‌درستی انجام شده است یا خیر، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج آزمون آنالیز واریانس

سطح معناداری (Sig)	آماره F	میانگین مربعات داخل خوشه‌ها	میانگین مربعات بین خوشه‌ها	سبک‌های تصمیم‌گیری
۰/۰۰۰	۵/۵۰۷	۰/۱۹۲	۱/۰۵۷	حساس به کیفیت
۰/۰۰۰	۲۴/۲۲۹	۰/۲۷۳	۶/۶۰۹	حساس به برند
۰/۰۰۰	۳۵/۷۴۷	۰/۲۹۷	۱۰/۶۲۷	حساس به قیمت
۰/۰۰۰	۷۷/۵۴۴	۰/۲۶۳	۲۰/۳۶۰	حساس به مد
۰/۰۰۰	۶۱/۵۱۶	۰/۲۹۴	۱۸/۰۷۶	لذت‌گرایی
۰/۰۰۰	۲۴/۳۶۵	۰/۳۱۶	۷/۷۰۷	بی‌برنامه و آنی
۰/۰۰۰	۲۹/۳۸۵	۰/۲۹۱	۸/۵۳۹	سردرگم در انتخاب
۰/۰۰۰	۱۲/۷۶۸	۰/۳۰۴	۳/۸۸۶	عادت‌گرایی

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون آنالیز واریانس، سطح معناداری در تمام موارد کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت فرض برابری میانگین‌های گروه‌ها (خوشه‌ها) رد می‌شود؛ به این مفهوم که گروه‌های انتخاب‌شده یکسان نیستند و در نتیجه خوشه‌بندی به‌درستی صورت گرفته است.

به‌علاوه تعداد مصرف‌کنندگان فروشگاه‌های برند خارجی مربوط به هر یک از گروه‌های شناسایی بدین ترتیب است: گروه یک متشکل از ۷۰ نفر؛ گروه دو ۸۲ نفر؛ گروه سه ۳۰ نفر و گروه چهار دربردارنده ۸۸ نفر است.

مقایسه تحلیل ممیزی با تحلیل خوشه‌ای

در تحلیل ممیزی، تعداد گروه‌ها یا همان خوشه‌ها از قبل مشخص و تعیین شده‌اند، اما در تحلیل خوشه‌ای گروه‌ها از قبل تعیین نشده‌اند و هدف، تعیین بهترین طریقه خوشه‌بندی مشاهدات است. در ادامه با استفاده از تحلیل ممیزی درستی خوشه‌بندی آزمایش شده است. شایان ذکر است که برای هر آزمون، باید فرض «برابری ماتریس واریانس کوواریانس» در هر گروه برقرار باشد که در این تحقیق برای کلیه گروه‌بندی‌های زیر این فرض بررسی شد و در سطح ۵ درصد برقرار شده است، زیرا سطح معناداری تک‌تک گروه‌بندی‌های انجام‌شده بیشتر از ۰/۰۵ است و همان‌طور که در جدول ۶ دیده می‌شود، خوشه‌بندی با استفاده از کای میانگین به درستی انجام شده است.

جدول ۶. آمون برابری میانگین‌های چهار گروه

گروه‌ها	آماره F	آماره ویلکس لامبدا	سطح معناداری
حساس به کیفیت	۷/۷۲۷	۰/۹۴۱	۰/۰۰۱
حساس به برند	۳۳/۲۲۲	۰/۷۹۸	۰/۰۰۰
حساس به قیمت	۱۵/۶۶۳	۰/۸۹۲	۰/۰۰۰
حساس به مد	۴۸/۰۹۳	۰/۷۱۵	۰/۰۰۰
لذت‌گرایی	۷۵/۵۷۲	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰
بی‌برنامه و آنی	۲۶/۰۱۴	۰/۸۲۵	۰/۰۰۰
سردرگم در انتخاب	۱۳/۶۱۲	۰/۹۰۲	۰/۰۰۰
عادت‌گرایی	۱۵/۹۸۱	۰/۸۸۱	۰/۰۰۰

نام‌گذاری خوشه‌ها

بر اساس رتبه درون خوشه‌ای و بین خوشه‌ای سبک‌های تصمیم‌گیری، نام‌گذاری خوشه‌ها به ترتیب زیر انجام گرفته است.

خوشه یک: مصرف‌کنندگان کیفیت‌گرا و بی‌برنامه

متغیرهای قرارگرفته در این خوشه بین تمام گروه‌ها دارای رتبه ۳ بودند؛ به این دلیل به آنان نام کیفیت‌گرا و بی‌برنامه داده شد. در این گروه از مشتریان، سبک حساس به کیفیت (۴/۳۱) و بی‌برنامه (۲/۳۸) در رتبه اول و حساس به قیمت (۲/۳۹) در رتبه چهارم بود و سبک‌های حساس به برند (۲/۹۸)، حساس به مد (۲/۹۰)، سردرگم در انتخاب (۲/۶۷) و عادت‌گرایی (۳/۱۵) در رتبه دوم قرار داشتند.

خوشه دو: مصرف‌کنندگان مد‌گرا و قیمت‌محور

متغیرهای قرارگرفته در این خوشه بین تمام گروه‌ها رتبه ۲ را کسب کردند؛ به این دلیل به آنان نام مد‌گرایان ارزان‌طلب داده شد که در این گروه سبک حساس به قیمت (۳/۶۶) و حساس به مد (۳/۸۸) رتبه نخست را داشت و سردرگم در انتخاب (۲/۲۶) در رتبه چهارم قرار گرفت. اغلب مصرف‌کنندگانی که در این گروه قرار گرفته‌اند، دارای سبک‌های تصمیم‌گیری حساس به کیفیت (۴/۳۱)، حساس به برند (۳/۱۹)، عادت‌گرایی (۳/۲۹) و لذت‌گرایی (۳/۸۳) هستند.

خوشه سه: مصرف کنندگان کمال گرا

متغیرهای قرار گرفته در این خوشه بین تمام گروه‌ها رتبه ۱ را کسب کردند، بنابراین به آنان نام کمال گرا داده شد. در این گروه از مصرف کنندگان، تمام سبک‌های تصمیم‌گیری در رتبه نخست بود و فقط سبک‌های حساس به قیمت (۳/۵۳) و حساس به مد (۳/۷۰) در رتبه دوم قرار گرفتند. این موضوع نشان می‌دهد در این گروه از مصرف کنندگان، کمابیش همه سبک‌های تصمیم‌گیری بیشترین اهمیت را دارند.

خوشه چهار: مصرف کنندگان کیفیت‌گرای سردرگم

متغیرهای قرار گرفته در این خوشه بین تمام گروه رتبه ۴ را کسب کردند؛ به این دلیل به آنان نام کیفیت‌گرا و سردرگم داده شد که سبک سردرگم در انتخاب (۲/۷۵) رتبه دوم را داشت و به جز سبک حساس به کیفیت (۴/۲۴) و حساس به قیمت (۳/۲۲) که در رتبه سوم قرار دارند، سایر سبک‌های تصمیم‌گیری بین مصرف کنندگان این خوشه در رتبه ۴ قرار گرفتند.

پاسخ به سؤال دوم تحقیق

سؤال دوم: بخش‌های مختلف بر اساس سبک تصمیم‌گیری خرید چه تفاوتی از نظر نگرش نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی دارند؟
برای بررسی این سؤال پژوهش از آزمون آنالیز واریانس استفاده شده است. در این بخش از تحقیق، خوشه‌های شناسایی شده از مصرف کنندگان عامل (مستقل) بوده و نگرش نسبت به عوامل بازاریابی وابسته است که تفاوت خوشه‌ها از لحاظ آنها بررسی می‌شود. نتایج آزمون آنالیز واریانس در جدول‌های زیر آمده است.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین‌های نگرش نسبت به محصول در چهار گروه بررسی شده

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۷/۰۵۱	۳	۲/۳۵۰	۱۴/۲۶۲	۰/۰۰۰
داخل گروه‌ها	۴۳/۸۳۳	۲۶۶	۰/۱۶۵		
کل	۵۰/۸۸۳	۲۶۹			

با توجه به نتایج به دست آمده، آماره آزمون تحلیل واریانس برابر با ۱۴/۲۶۲ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت در نگرش نسبت به محصول

۳۶۶ _____ نوع‌شناسی مصرف‌کنندگان پوشاک برند بر اساس سبک...

مصرف‌کنندگان دارای سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی اینکه بین کدام گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون تعقیبی توکی مربوط به نگرش نسبت به محصول

میانگین	میانگین	میانگین	تعداد	گروه‌های شناسایی شده
		۲/۷۵۱۷	۸۸	گروه ۴
	۲/۹۵۸۶		۷۰	گروه ۱
	۳/۰۲۹۳		۸۲	گروه ۲
۳/۲۷۰۰			۳۰	گروه ۳

بر اساس نتایج آزمون تعقیبی توکی در نگرش نسبت به محصول در گروه‌های ۱ و ۲، تفاوت معناداری وجود ندارد، اما در نگرش نسبت به محصول گروه ۴ با سایر گروه‌ها و همچنین گروه ۳ با سایر گروه‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین‌های نگرش نسبت به قیمت در چهار گروه بررسی شده

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۱۱/۵۶۸	۳	۳/۸۵۶	۱۶/۶۰۰	/۰۰۰
داخل گروه‌ها	۶۱/۷۸۹	۲۶۶	۰/۲۳۲		
کل	۷۳/۳۵۶	۲۶۹			

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس، آماره آزمون برابر با ۱۶/۶۰۰ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت در نگرش نسبت به قیمت مصرف‌کنندگان دارای سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی اینکه بین کدام گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون تعقیبی توکی مربوط به نگرش نسبت به قیمت

میانگین	میانگین	تعداد	گروه‌های شناسایی شده
	۲/۷۴۳۰	۸۸	گروه ۴
	۲/۸۶۲۱	۷۰	گروه ۱
	۲/۹۰۷۳	۸۲	گروه ۲
۳/۴۵۶۷		۳۰	گروه ۳

بر اساس نتایج آزمون تعقیبی توکی در نگرش نسبت به قیمت در گروه ۳ با سایر گروه‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین‌های نگرش نسبت به ترویج در چهار گروه بررسی شده

سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۶/۵۶۸	۱/۷۸۷	۳	۵/۳۶۰	بین گروه‌ها
		۰/۲۷۲	۲۶۶	۷۲/۳۵۸	داخل گروه‌ها
			۲۶۹	۷۷/۷۱۸	کل

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس، آماره آزمون برابر با ۶/۵۶۸ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت در نگرش نسبت به ترویج مصرف‌کنندگان دارای سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی اینکه بین کدام گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

جدول ۱۲. نتایج آزمون تعقیبی توکی مربوط به نگرش نسبت به ترویج

میانگین	میانگین	تعداد	گروه‌های شناسایی شده
	۲/۸۱۷۰	۸۸	گروه ۴
	۳/۰۲۳۸	۸۲	گروه ۲
۳/۰۶۵۲		۷۰	گروه ۱
۳/۲۶۳۳		۳۰	گروه ۳

۳۶۸ _____ نوع‌شناسی مصرف‌کنندگان پوشاک برند بر اساس سبک...

بر اساس نتایج آزمون تعقیبی توکی در نگرش نسبت به ترویج بین گروه‌های ۴ و ۲ با سایر گروه‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد، ولی در سایر گروه‌ها تفاوت وجود ندارد.

جدول ۱۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین‌های نگرش نسبت به توزیع در چهار گروه مورد بررسی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۵/۲۷۸	۳	۱/۷۵۹	۶/۰۴۴	۰/۰۰۱
داخل گروه‌ها	۷۷/۴۳۶	۲۶۶	۰/۲۹۱		
کل	۸۲/۷۱۴	۲۶۹			

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس، آماره آزمون برابر با ۶/۰۴۴ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت در نگرش نسبت به توزیع مصرف‌کنندگان دارای سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی اینکه بین کدام گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

جدول ۱۴. نتایج آزمون تعقیبی توکی مربوط به نگرش نسبت به توزیع

گروه‌های شناسایی شده	تعداد	میانگین	میانگین
گروه ۴	۸۸	۳/۲۸۶۹	
گروه ۱	۷۰	۳/۴۳۴۵	
گروه ۲	۸۲	۳/۴۶۰۴	
گروه ۳	۳۰		۳/۷۶۶۷

بر اساس نتایج آزمون تعقیبی توکی در نگرش نسبت به توزیع در گروه ۳ با سایر گروه‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد، ولی در سایر گروه‌ها تفاوت وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به دلیل در دسترس نبودن پیشینه مطالعاتی مشابه تحقیق حاضر، امکان مقایسه نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با مطالعات دیگر وجود نداشت. در این تحقیق خوشه‌بندی داده‌ها به شیوه غیر

سلسله‌مراتبی که مختص داده‌های کمی است، انجام شده است. برای پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر اینکه مصرف‌کنندگان فروشگاه برند خارجی پوشاک بر اساس سبک تصمیم‌گیری در چه بخش‌هایی قرار می‌گیرند، آنها را به چهار بخش دسته‌بندی کرده و برای مصرف‌کنندگان خوشه نخست، نام کیفیت‌گرا و بی‌برنامه را انتخاب کردیم. چون در این گروه از مصرف‌کنندگان، سبک حساس به کیفیت و بی‌برنامه و آنی، در رتبه بالاتری نسبت به سایر سبک‌ها قرار داشت. در خوشه دوم، سبک‌های حساس به قیمت و حساس به مد در مقایسه با سایر متغیرها در رتبه نخست بودند؛ بر این اساس نام مصرف‌کنندگان مدگرا و قیمت‌محور را برای آنها انتخاب کردیم. برای گروه سوم نام مصرف‌کنندگان کمال‌طلب انتخاب شد؛ زیرا مصرف‌کنندگان این گروه در اغلب سبک‌ها دارای رتبه ۱ بین سایر گروه‌ها بودند و خوشه چهارم نیز به نام مصرف‌کنندگان کیفیت‌گرا و سردرگم نام‌گذاری شد، چون در این خوشه سبک تصمیم‌گیری سردرگم در انتخاب و حساس به کیفیت در رتبه‌های بالاتری نسبت به سایر متغیرها بودند.

همچنین با توجه به نتایج یافته‌ها در پاسخ به سؤال دوم، می‌توان گفت که گروه ۲ از لحاظ نگرش به 4P در طرف مقابل سایر گروه‌ها است. علت نتیجه به‌دست آمده این است که چون سبک‌های تصمیم‌گیری در این خوشه بالاترین رتبه‌ها را بین سایر خوشه‌ها به‌دست آورده‌اند، افرادی که در این خوشه قرار می‌گیرند کیفیت بالا، قیمت ارزان، برند و جدید بودن و در عین حال، لذت‌بخش بودن خرید را همراه با هم می‌خواهند. همچنین به سیاست‌گذاری‌های متفاوتی نیاز دارند و نسبت به سایر گروه‌ها که تفاوت بین افراد از نظر سبک تصمیم‌گیری بالاست، نگرش متفاوتی دارند. طراحی محصول، قیمت‌گذاری و تبلیغات و توزیع محصول برای این افراد، باید به شیوه خاص و پاسخگوی کلیه سبک‌ها باشد.

گروه ۲ در هر چهار مورد در مقابل گروه ۳ قرار دارد. یکی از علت‌های این موضوع می‌تواند این باشد که سبک‌های تصمیم‌گیری قرارگرفته در خوشه ۲ که در بالاترین رتبه هستند (حساس به قیمت و حساس به مد)، در خوشه ۳ پایین‌ترین رتبه را دارند. ضمن اینکه سیاست‌گذاری و طراحی 4P مناسب برای افراد این گروه می‌تواند تا حدی سخت باشد، چون در عین حال که باید محصولی به‌روز و مطابق مد طراحی شود، محصولاتی با ارزان‌ترین قیمت هم به یک اندازه برای مصرف‌کنندگان این خوشه اهمیت دارد.

از آنجا که بخش‌بندی مصرف‌کنندگان تنها برای شناسایی بهتر مشتریان به‌منظور جهت‌گیری در سیاست‌های تولید، فروش و به‌طور کلی طراحی آمیخته مناسب بازاریابی انجام می‌گیرد، بنا بر یافته‌های تحقیق تنها می‌توان پیشنهاد‌های کلی ارائه کرد. بنابراین با توجه به اینکه رتبه دورن خوشه‌ای سبک تصمیم‌گیری حساس به کیفیت در تمام خوشه‌ها ۱ است، این

متغیر نمی‌تواند عامل تمایزبخشی بین مصرف‌کنندگان پوشاک باشد و نشان می‌دهد که در کلیه گروه‌های مشتریان حساسیت به کیفیت، دارای اهمیت بالایی بوده و تولیدکنندگان پوشاک باید به ابعاد کیفی از جمله طرح، رنگ، جنس پارچه و دوام محصول تولیدی خود به‌عنوان عامل تأثیرگذار مشترک بین کلیه مصرف‌کنندگان توجه ویژه‌ای داشته باشند.

همچنین از آنجا که در تحقیق حاضر بیشترین فراوانی مدرک تحصیلی مربوط به مصرف‌کنندگانی با مدرک فوق لیسانس (۵۸/۱۵) و بیشترین فراوانی سنی مربوط به رده سنی ۳۰-۲۰ (۷۷/۴۱) است، ضرورت توجه به نیازهای اختصاصی جوانان، سلیقه‌ها و سطح درآمدی اکثر جوانان مصرف‌کننده پوشاک برند خارجی، اهمیت زیادی دارد (همان‌طور که در فصل دوم اشاره شد، این متغیرها از جمله عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری هستند)، زیرا از این طریق می‌توان عمده مصرف‌کنندگان را راضی نگه داشت، ضمن اینکه از تبلیغات شفاهی مثبت نیز بهره‌مند شد. در عین حال، یکی از راه‌های جذب این مصرف‌کنندگان که قابل پیشنهاد به فروشگاه‌های پوشاک برند است، این است که تبلیغات و توزیع خود را در محل‌های تجمع این گروه از مصرف‌کنندگان متمرکز کنند و از جوانان در کانال‌های توزیع یا اقدامات ترویجی خود بهره‌برند تا به دلیل درک مشترک بین جوانان از این طریق موفق به تأثیرگذاری بر مرحله شناخت در فرایند تصمیم‌گیری شوند.

به محققان آتی نیز پیشنهاد می‌شود در راستای بررسی سبک‌های تصمیم‌گیری بین مصرف‌کنندگان سایر صنایع تولیدی و خدماتی، بخش‌بندی را در صنایع داخلی از جمله پوشاک داخلی انجام دهند تا با ارائه پیشنهادهایی، به بهبود ارضای نیاز مصرف‌کنندگان از این صنایع و کاهش واردات کمک کنند. همچنین از آنجا که رضایی (۲۰۱۵) ادعا کرده است که سبک تصمیم‌گیری از جمله ویژگی‌های کمابیش ثابت در طول زندگی فرد است و پیش فرض تحقیق حاضر نیز همین موضوع بود، به محققان آتی پیشنهاد می‌شود مصرف‌کنندگان ثابتی را در مقاطع زمانی مختلف از لحاظ سبک تصمیم‌گیری بررسی کنند. پیشنهاد دیگری که می‌توان ارائه کرد این است که به دلیل دانش به نسبت کم در مورد خرید آنی و بی‌برنامه، می‌توان در مطالعه‌های آتی تأثیر آمیخته بازاریابی را بر جذب مشتریانی با سبک تصمیم‌گیری آنی و بی‌برنامه که در لحظه تصمیم به خرید می‌گیرند، بررسی کنند.

فهرست منابع

- بابایی، ز. (۱۳۹۰). *بازاریابی و مدیریت بازار*. (چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری دانش‌پذیر.
- بخشی‌زاده، ک.، خلیلی‌رودی، م.، رضاییان اکبرزاده، س. (۱۳۹۵). تأثیر درگیری ذهنی و ویژگی‌های شخصیتی افراد بر خرید آنی پوشاک، *نشریه مدیریت بازرگانی*، ۸ (۱)، ۲۹-۴۶.
- حسین‌زاده شهری، م.، کرمی، م.، مهربانی، م. (۱۳۹۵). بخش‌بندی مشتریان در رستوران‌های زنجیره‌ای بر اساس سبک تغذیه (مطالعه موردی: رستوران‌های زنجیره‌ای فست فود بوف در شهر تهران). *مدیریت بازرگانی*، ۱۷ (۱)، ۸۳-۹۹.
- طباطبایی نسب، م. و ارجمند، خ. (۱۳۹۳). خوشه‌بندی مشتریان براساس سبک خرید و بررسی ارتباط آن با ابعاد نوجویی ذاتی و ابعاد شخصیتی نئو. *مدیریت بازرگانی*، ۶ (۲)، ۳۳۷-۳۵۸.
- محسنین، ش.، اسفیدانی، م.، ر.، کرمی، م. و خواجه‌دهاقانی، ا. (۱۳۹۲). سبک‌های تصمیم‌گیری مشتریان در خرید محصولات لوازم خانگی. *مدیریت بازرگانی*، ۵ (۲)، ۱۴۵-۱۶۸.
- ملاحسینی، ع. و علی‌میرزایی، غ. (۱۳۸۹). بخش‌بندی و شناسایی ویژگی‌های مشتریان گروه‌های ایران خودرو و سایپا در شهر کرمان. *مدیریت بازرگانی*، ۲ (۳)، ۱۳۵-۱۴۶.
- Akturan, U., Tezcan, N. & Vignolles, A. (2011). Segmenting young adults through their consumption styles: a cross-cultural study. *Young Consumers*, 12(4), 348-360.
- Anić, I. D., Piri Rajh, S. & Rajh, E. (2014). Antecedents of food-related consumer decision-making styles. *British Food Journal*, 116(3), 431-450.
- Anic, I. D., Rajh, E. & Bevanda, A. (2012). Decision-making styles of young consumers in Bosnia and Herzegovina. *Young Consumers*, 13(1), 86-98.
- Babai, Z. (2012). *Marketing and market management* (1st edition). Tehran, Danesh-pazir.
- Bakhshizadeh, K., Khalili Roodi, M. & Rezaeiyan Akbarzadeh, S. (2016). Impact of mental engagement and personality characteristic on clothing impulsive purchase. *Business management*, 8(1), 29-36. (in Persian)
- Bates, L. (1998). UK consumer decision-making styles. *Journal of Marketing Management*, 14(1-3), 199-225.
- Chin, W. W., Marcolin, B. L. & Newsted, P. R. (2003). A partial least squares latent variable modeling approach for measuring interaction effects: Results from a Monte Carlo simulation study and an electronic-mail emotion/adoption study. *Information systems research*, 14(2), 189-217.

- Crutsinger, C., Knight, D. & Kim, H. (2010). Teens' consumer interaction styles: the impact of assertive and aggressive behaviour on attitudes towards marketing practices. *International Journal of Consumer Studies*, 34(2), 196-203.
- Gaski, J. F. & Etzel, M. J. (1986). The index of consumer sentiment toward marketing. *The journal of marketing*, 50(3), 71-81.
- Hajikarimi, A. & Shahabi, A. (2012). Iranian customer decision-making styles: in the approach of ethnicity. *Business management perspective*, 2012(7), 9-24.
- Hanzaee, K. H. & Aghasibeig, S. (2008). Generation Y female and male decision-making styles in Iran: are they different? *The International Review of Retail, Distribution and Consumer Research*, 18(5), 521-537.
- Hossein-zadeh Shahri, M., Karami, M. & Mehrbani, M. (2015). Costumer segmentation in circuit restaurants base on nourishing style (the case of Boof circuit restaurants in Tehran). *Business management*, 7(1), 83-99. (in Persian)
- Jensen, B. B. & Grunert, K. G. (2014). Price knowledge during grocery shopping: what we learn and what we forget. *Journal of Retailing*, 90(3), 332-346.
- Kamaruddin, A. R. & Mokhlis, S. (2003). Consumer socialization, social structural factors and decision-making styles: a case study of adolescents in Malaysia. *International Journal of Consumer Studies*, 27(2), 145-156.
- Kotler, F. & Armestrang, G. (2008). *Principles of Marketing* (8th edition). translation: Foruzande, B., Isfahan: Amookhte.
- Kwan, C. Y., Yeung, K. W. & Au, K. F. (2008). Relationships between consumer decision-making styles and lifestyle characteristics: Young fashion consumers in China. *Journal of the Textile Institute*, 99(3), 193-209.
- Leo, C., Bennett, R. & Härtel, C. (2005). Cross-Cultural Differences in Consumer Decision Making Styles, *Cross Cultural Management Journal*, 12, (3) 32-51.
- Lysonski, S. & Durvasula, S. (2013). Consumer decision making styles in retailing: evolution of mindsets and psychological impacts. *Journal of Consumer Marketing*, 30(1), 75-87.
- Mohsenin, SH., Esfidani, M. R., Karami, M. & Khajeh Dehghani, A. (2013). Investigating costumer's decision making style in purchasing Home Appliances (the case of Tehran costumers). *Business management*, 5(2), 149-168. (in Persian)
- Molahoseini, A. & Alimirzai, GH. (2011). Customers Segmentation and identifying the characteristics of groups of Iran Khodro and Saipa in Kerman. *Business management*, 2(3), 135-146.

- Moosavi Kavkani, S. A., Seyedjavadain, S., & Saadeghvaziri, F. (2011). Decision-making styles of young Iranian consumers. *Business Strategy Series*, 12(5), 235-241.
- Rezaei, S. (2015). Segmenting consumer decision-making styles (cdms) toward marketing practice: A partial least squares (pls) path modeling approach. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 22, 1-15.
- Roosmand, O., Ghasem-Aghaee, N., Hofstede, G. J., Nematbakhsh, M. A., Baraani, A., & Verwaart, T. (2011). Agent-based modeling of consumer decision making process based on power distance and personality. *Knowledge-Based Systems*, 24(7), 1075-1095.
- Solka, A., Jackson, V. P. & Lee, M. Y. (2011). The influence of gender and culture on Generation Y consumer decision making styles. *The International Review of Retail, Distribution and Consumer Research*, 21(4), 391-409.
- Sproles, E. K. & Sproles, G. B. (1990). Consumer decision-making styles as a function of individual learning styles. *Journal of Consumer Affairs*, 24(1), 134-147.
- Sproles, G. B. & Kendall, E. L. (1986). A methodology for profiling consumers' decision-making styles. *Journal of Consumer Affairs*, 20(2), 267-279.
- Tabatabai Nasab, M. & Pezeshki Najafabadi, F. (2016). Consumer segmentation base on life style related to nourishing. *Business management*, 8(2), 375-394. (in Persian)
- Tabatabainasab, M. & Arjmand, KH. (2015). customers segmentation based on purchase style and explore its relationship with dimensions of neo personality and inherent novelty seeking. *Business management*, 6(2), 337-358.
- Thanasuta, K. (2015). Thai consumers' purchase decisions and private label brands. *International Journal of Emerging Markets*, 10(1), 102-121.
- Wang, C. L., Siu, N. Y. & Hui, A. S. (2004). Consumer decision-making styles on domestic and imported brand clothing. *European Journal of Marketing*, 38(1/2), 239-252.
- Wesley, S., LeHew, M., & Woodside, A. G. (2006). Consumer decision-making styles and mall shopping behavior: Building theory using exploratory data analysis and the comparative method. *Journal of Business Research*, 59(5), 535-548.
- Zhang, B. & Kim, J. H. (2013). Luxury fashion consumption in China: Factors affecting attitude and purchase intent. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 20(1), 68-79.

- Zhang, B., & Kim, J. H. (2010). Luxury fashion consumption in China: Factors affecting attitude and purchase intent. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 20(1), 68-79.
- Zhou, J. X., Arnold, M. J., Pereira, A. & Yu, J. (2010). Chinese consumer decision-making styles: A comparison between the coastal and inland regions. *Journal of Business Research*, 63(1), 45-51.